

گفت‌وگوی
روزنامه صبا با احسان
نیلی، برنامه‌ساز
باسابقه تلویزیون

تلویزیون محل آزمون و خطای افراد نیست

تمایلی به همکاری با برنامه‌سازان
قدیمی در تلویزیون وجود ندارد

شد که بهترین برنامه با بهترین فکر و با بهترین کارگردانی باز بتواند مثل قدیم برای مخاطب جذابیت داشته باشد. پس فکر می‌کنید رقیبی مثل شبکه‌های مجازی، روی این مسئله تأثیرگذار است؟

سرعت فضای مجازی مردم را یک جوری بدعات کرده است. یعنی دلشان می‌خواهد یک چیزی را ببینند، سریع رد بکنند. حق انتخاب دارند و با یک انگشت می‌توانند سانسور بکنند. پس این نیازمند این است که مدیران امروز یک مقدار به بحث مخاطب‌شناسی هم روی بیاورند.

شما تهیه‌کننده برنامه‌هایی مثل «صبح بخیر ایران»، «سیمای خانواده» و «دعوت» بودید و همکاران شما قطعاً دغدغه مخاطب داشتند. چرا الان تلویزیون ظاهراً دیگر مثل قبل مخاطب‌شناس نیست؟ یا مخاطبان تغییرات اساسی کرده‌اند یا تلویزیون نمی‌خواهد در راستای مخاطب‌شناسی حرکت کند؟

تصور این است که یک سبک معیوبی روی آنچه در نهایت از تلویزیون پخش می‌شود تأثیر گذاشته است. من به عنوان تهیه‌کننده اگر بخواهم جوری عوامل را بچینم و انتخاب بکنم که به جای اینکه به فکر کیفیت برنامه خودم باشم، به فکر این باشم که طرف غر نزنند یا ارزان‌تر دستمزد بگیرد یا تجربه کمتری داشته باشد، حالا با هر فکری و با هر چیزی که توی ذهن من هست، طبیعتاً در فینال کار من تأثیر می‌گذارد. قطعاً نتیجه‌اش روی آنتن محسوس است و مخاطب متوجه می‌شود. حالا این اتفاق اگر به وسیله مدیر گروه معیوب بشود، یعنی مدیر گروه تهیه‌کننده یا تجربه‌ای را انتخاب نکند، آن برنامه آسیب می‌بیند.

حالا اگر خود مدیر گروه بی‌ربط باشد؛ یعنی مثلاً کسی باشد که خودش ادعا می‌کند «من تا قبل از اینکه مدیر بشوم اصلاً تلویزیون نگاه نمی‌کردم و در خانه ما تلویزیون خاموش بوده»، خب این آدم وقتی در رأس مدیریت یک گروه برنامه‌ساز قرار بگیرد، هرچقدر هم از نظر فکری، از نظر ایدئولوژی و از نظر آن چیزهایی که با آن معیار انتخاب شده، اگر خیلی باهوش باشد، حداقل دو، سه سال طول می‌کشد که به آن حیطه مدیریتی خودش اشراف پیدا کند.

من یک بار به خود آقای جلی عرض کردم که گاهی در صحبت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها اشاره می‌شود به اینکه ما برای یک طبقه خاصی فقط می‌خواهیم برنامه بسازیم؛ برای مردمی برنامه بسازیم که مثلاً همسو و همراه ما باشند.

در جواب مخاطب موردنظر آقای جلی چه کسانی بودند؟

اصلاً بحث من این نیست. من حرفم این است که برای هر قشری که می‌خواهیم برایشان برنامه بسازیم، باید برنامه خوب بسازیم. باید به ذائقه و سلیقه این افراد احترام بگذاریم. اگر خانواده معزز شهدا هستند، اینارگر

تلویزیون سال‌هاست با یک پرسش اساسی مواجه است؛ چگونه می‌تواند دوباره مخاطب را پای آنتن نگه دارد؟ پاسخ به این پرسش، تنها به تغییر مدیران یا بازگرداندن چند چهره شناخته‌شده محدود نمی‌شود. احسان نیلی، برنامه‌ساز باسابقه تلویزیون، در گفت‌وگو با «صبا» بخش مهمی از مسئله را در نادیده گرفتن تجربه، تغییر مسیر تربیت برنامه‌سازان، فاصله گرفتن از مخاطب‌شناسی و نوع سیاست‌گذاری در انتخاب عوامل می‌داند. او از تجربه سال‌های ابتدایی فعالیتش می‌گوید؛ زمانی که برای یادگیری برنامه‌سازی ساعت‌ها در استودیو می‌نشست و «مسابقه هفته» با اجرای مرحوم منوچهر نودری را تماشا می‌کرد. نیلی معتقد است تلویزیون امروز نیز برای جذب مخاطب باید در کنار توجه به محتوا، کیفیت، هنر و تجربه را جدی بگیرد. او همچنین درباره نسبت تلویزیون به شبکه‌های اجتماعی، سلب‌ریتی‌زدایی، مسیر شکل‌گیری «۹۰»، سیاست‌های دوران ضرغامی، سند تحول، آمار بیش از ۷۰ درصدی مخاطبان و کنار گذاشته شدن برخی برنامه‌سازان باسابقه صحبت کرده است.

سمیرا جعفری
گفت‌وگو



الان مدتی است که گذاشتن سردبیر برای برنامه‌ها باب شده است؛ یعنی یک سردبیر تعیین می‌شود و قرار است برنامه از نظر هنری، محتوایی و دیگر جنبه‌ها، بر اساس آنچه مدنظر است، پیش برود.

طبیعتاً در چنین شرایطی، آن اندوخته تجربی و دانشی که در طول سال‌ها برای یک تهیه‌کننده یا دیگر عوامل، از تصویر بردار و کارگردان گرفته تا سایر نیروها، به وجود آمده است، نادیده گرفته می‌شود. در حالی که این تجربه حاصل سال‌ها کار و آزمون و خطاست و نمی‌توان آن را به‌سادگی جایگزین کرد.

شما به «مسابقه هفته» و «نیم‌رخ» اشاره کردید که هنوز هم در ذهن مخاطب حال حاضر مانده‌اند. چرا دیگر برنده‌های قدیمی امروز نیستند و آیا سیاست‌گذاری‌ها بر اساس این برنده‌ها بوده یا حداقل جایگزینی برای آنها در نظر گرفته شده است؟

ببینید، یک بخشش برمی‌گردد به شیوه مدیریتی که می‌تواند مؤلف یک برنامه خوب باشد، ولی فکر می‌کنم همه را هم به این قضیه نسبت ندهیم، به هر حال فضای مجازی و رسانه‌های نو طبیعتاً خیلی در این قضیه مؤثرند.

یعنی معلوم نیست اگر شما با همان اهداف و با همان افکار و با همان عوامل، امروز بیاید یک «مسابقه هفته» را طراحی کنید و بخواهید پخش بکنید، به همان اندازه گیرایی و جذابیت داشته باشد و بتواند مخاطب را جذب کند.

البته من قائلم به این هستم که باید فکر پشت برنامه باشد، ما همیشه در ذهن‌مان این شکل گرفته که اگر اساس و اصول یک برنامه درست چیده شود، آخر مخاطب خودش را پیدا می‌کند، پر و بال پیدا می‌کند و شکل خودش را در ذهن مخاطب نقش می‌بندد.

منت‌های مراتب، در سال‌های اخیر فضای مجازی مثل یوتیوب و اینستاگرام و حتی خود پلتفرم‌ها طبیعتاً رقبای تلویزیون شده‌اند و این خودش باعث می‌شود که شما همه‌چیز را منحصر به آن مدیریت یا طراحی‌های برنامه‌سازی مرتبط نکنید. بنابراین خیلی نباید مطمئن

و سریال‌سازی ادامه دهند. برای همین است که شما سیاست‌های جدید را در برنامه‌ها مشاهده می‌کنید، اما عوامل، همان عوامل باتجربه هستند؛ کسانی که تجربه داشتند و در نظام جدید حاکم بر ایران، فعالیت حرفه‌ای خود را ادامه دادند.

طبیعتاً شما سریال «امیرکبیر» را هنوز هم، بعد از این همه سال، می‌بینید که پخش می‌شود، مورد استقبال قرار می‌گیرد و برای مردم همچنان جذاب است. چرا؟ به خاطر تجربه‌ای که در تولید آن به کار گرفته شده و در راستای سیاست‌های جدید قرار گرفته است.

یعنی علاوه بر ایدئولوژی و سیاست‌هایی که وجود داشت، تجربه و دانش برنامه‌سازی هم برای آنها در اولویت بود.

الان هم همین‌طور است؟

گاهی ما فکر می‌کنیم این تجربه و اندوخته‌ای که عوامل صداوسیما، یا حتی کسانی که در جاهای دیگر فعالیت کرده‌اند، به دست آورده‌اند، حاصل دو، سه ماه یا چند ماه کار است؛ در حالی که این‌طور نیست. اگر باز بخواهم به خودم اشاره کنم، وقتی وارد سازمان شدم، عاشق این کار بودم و با هدف وارد این حیطه شدم. تحصیلات من چیز دیگری بود، اما در نهایت تصمیم گرفتم به دنبال علاقه‌ام بروم.

آن زمان گاهی از صبح تا شب، مثلاً برای برنامه «مسابقه هفته» که یکی از برنده‌های تلویزیون بود و مرحوم منوچهر نودری آن را اجرا می‌کرد، به استودیو می‌رفتم، در رزی می‌نشستم و فقط تماشا می‌کردم. همین تماشا کردن، خودش بخشی از تجربه‌ای بود که به دست می‌آورد.

بعد که جدی‌تر مشغول کار شدم، در برنامه‌هایی که آن زمان در گروه کودک تولید می‌شد، مثل «نیم‌رخ»، دستیاری می‌کردم. هرکدام از این تجربه‌ها چیزی به من اضافه می‌کرد و در نهایت همین مسیر باعث شد بتوانم از کارهای کوچک‌تر وارد حیطه برنامه‌سازی شوم. اتفاقی که در سال‌های اخیر می‌بینیم این است که این تجربه و اندوخته، خیلی نادیده گرفته می‌شود. حتی

شما نزدیک به سه دهه در تلویزیون حضور داشته‌اید. می‌خواهم بدانم تلویزیون امروز چه تفاوتی با تلویزیونی دارد که کارتان را در آن شروع کردید؟

من تقریباً از ۳۴، ۳۵ سال پیش وارد سازمان شدم. تلویزیون بعد از انقلاب، طبیعتاً بر اساس اهداف انقلاب، جهت‌گیری و سیاست‌گذاری جدیدی را آغاز کرد و روند برنامه‌سازی و تولید در آن به سمت‌وسوی دیگری رفت. طبیعتاً وقتی انقلاب شد، کسی فکر نمی‌کرد چنین اتفاق بزرگی رخ بدهد و این رستاخیز بزرگ در کشور رقم بخورد. اما وقتی این اتفاق افتاد، آن ارکان رسمی و تربیون اصلی حاکمیت، طبیعتاً صداوسیما بود.

نکته‌ای که در ارتباط با سؤال شما می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که در همان ابتدای انقلاب، کارکنان صداوسیما که جزئی از همین مردم بودند و بسیاری از آنها همراه و همسو با انقلاب اسلامی ایران بودند، بر اساس سیاست‌های جدید شروع به فعالیت کردند.

ما حالا بعد از گذشت تمام این سال‌ها، به‌خصوص در شبکه‌های فیلم، سریال‌های قدیمی را بسیار بیشتر می‌بینیم و حتی بعضی از آنها در شبکه‌های سراسری هم دوباره پخش می‌شوند. اگر شما و بینندگان خاطراتان باشد، سریالی بود به نام «امیرکبیر». این سریال با اصلاح رنگ و ترمیم، همچنان به مناسبت‌های مختلف دوباره پخش می‌شود؛ یا سریال‌های قدیمی دیگری که هنوز روی آنتن می‌روند.

وقتی تیتراژ آن سریال‌ها را نگاه می‌کنید، می‌بینید که تمام عواملشان بچه‌های تلویزیون بودند. حتی سریال‌ها با واحد سیار تولید می‌شدند؛ تصویر بردارها، صدا بردارها، کارگردان‌ها و دیگر عوامل، همگی از نیروهای تلویزیون بودند. بازیگران در سینما هم فعالیت داشتند و عوامل برنامه‌ساز در همان سال‌های ابتدایی انقلاب، کسانی بودند که تجربه کار داشتند.

این افراد، چه به دلیل شرایط جدید و چه به دلیل همراهی با آن، اگر می‌خواستند به فعالیت خود ادامه بدهند، ناگزیر بودند خودشان را با سیاست‌های جدید وفق بدهند و در چارچوب آن، به برنامه‌سازی، فیلم‌سازی